

بنیاد فرهنگی کهزاد

دو شاه در یک شهر

از: کتاب: "رجال و رویداد های تاریخی"



بنیاد فرهنگی کهزاد

احمد علی کهزاد

دو شاه در یک شهر

در سال های بین 1838 و 1842 که دوره اول و دوم سلطنت امیر دوست محمد خان را از هم جدا می سازد و در طی آن انگلیس به نام شاه شجاع و شاه شجاع در سایه قوای فرنگی بر افغانستان مسلط شدند، مبارزه به هر جا و به هر رنگ با سلطه قوای بیگانه و شاه دست نشانده آن جریان داشت. این موقعی است که در حقیقت پادشاه قانونی منتخبه عامه ملت به کلی در افغانستان وجود نداشت، معذک در شش ماه اخیر این دوره پر آشوب دو شاه در کابل باهم مقابل شدند که یکی از قوه اجنبی و استبداد و دیگری از روح مبارزه و نهضت روی آزادی خواهی مجاهدین ملی نمایندگی میکرد.



در بحث گذشته علت ظهور و روز های زندگانی و سلطنت پر ماجرای دو شاه را در بالاحصار کابل شرح دادیم. اینک باز از دو شاه دیگر صحبت می کنیم که هر دو در شهر کابل زندگی داشتند ولی این مرتبه یکی در بالاحصار به اصطلاح وقت در «دولت خانه» بر مسند شاهی تکیه داده بود و دیگری در «غربت خانه» شخصی خودش، در یکی از محلات شهر به وضع عادی بود و باش داشت. میان این دو شاه و آن دو شاهی که قبلاً شرح حال ایشان ذکر شد پاره تفاوت های دیگری هم است، آن دو شاه هر دو شهزاده گان سدوزایی بودند که به حساب دو نفر از سرداران بارکزیایی به میان آمدند و این دو شاه یکی سدوزایی و دیگری از جمله سرداران یا سردار زادگان بارکزیایی است. یکی پادشاه دست نشانده انگلیس ها و منفور ملت میباشد و دیگری شاهی است که جماعه از سران ملیون افغانی از ناچاری نظر به ایجاب وقت انتخاب کرده اند.

بعد از این که انگلیس ها در نیم قاره هند مسلط شدند و محافظت آن سرزمین محور سیاست ایشان در آسیا قرار گرفت، نقشه های عملی نشده ناپلیون را بهانه قرار داده و با مظاهره حفظ افغانستان از حملات بیگانه و انبساط روابط تجارتي به کشور ما تجاوز کرده و پادشاه قانونی وقت امیر دوست محمد خان را مجبور به فرار به بخارا ساختند و شاه شجاع الملک سدوزایی به کمک ایشان بار دیگر بعد از 23 سال، در بالاحصار بر تخت سلطنت نشست. از 1838 تا 1842 که به ظاهر امر شاه شجاع به نام پادشاهی می کرد و اداره بیشتر در دست «مکناتن» بود، قوای فرنگی از قندهار و گرشک گرفته تا قلات غلزایی و غزنی و وردک و کابل و چهاریکار و جلال آباد و دیگر نقاط عرض راه تمرکز داشت.

در این چهار سال فتور و بیقراری، ملت آنی از مبارزه آزادی و برهم زدن نقشه های مشترک شاه شجاع و مکناتن خود داری نکرده و چون مراتب ظلم و احجاف و خود سری به آخر رسید و بنا شد عده ئی از بزرگان منتخبه قوم را نفی بلد کنند، آنگاه چند نفر از سران بیدار قوم که تشبثات اجنبی و اعمال آنها را به دقت تعقیب می کردند، به دور **عبدالله خان اچکزایی** و **امین الله خان لوگری** جمع شده و به تشکیل یک سلسله مجالس پرداختند و نقشه های امحای قوای حاکمه را کشیدند و برای قیادت خود در یکی از روز های عشر اولی ماه رمضان 1257 هجری قمری (نوامبر 1840) نواب محمد زمان خان بن نواب اسد خان (نواسه سردار پاینده خان مرحوم) را به پادشاهی انتخاب کردند. سپس به تاریخ 17 رمضان (نوامبر) به عملیات آغاز نموده و بعد از قتل «برنس» جنبش ملی با پیکار علنی در مقابل فرنگی روز به روز توسعه پیدا کرد و زمانی که میدان مبارزه گرم بود، سردار محمداکبر خان وارد کابل شد و در نتیجه کامیابی مجاهدین، انگلیس ها به امضای معاهده تسلیمی مجبور شدند که به تاریخ 16 ذی الحجة 1257 (اول جنوری 1842) به امضاء رسید و در متن فارسی آن سردار محمد زمان خان به لقب

«نواب مستطاب معلى القاب نواب عالی نواب محمد زمان خان» و نایب امین الله خان به لقب «نایب الثانی رفیع المکانی» به حیث نایب او شناخته شده و از سایر سرداران و سران در متن اسمی نیست و در پایان میثاق، مهر کرده اند.

شاه شجاع و زمان شاه از اواسط رمضان 1257 تا اواسط صفر 1258 (از اوائل نوامبر 1841 تا 15 اپریل 1842) که تا روز قتل شاه شجاع به دست شجاع الدوله پسر همین زمانشاه می باشد، در حدود تقریباً 5 و نیم ماه با رقابت بسیار شدید با یک دیگر مقابل بودند و هر چه امین الله لوگری که تقریباً نایب هر دو شاه شمرده می شد در نزدیک ساختن نظریات طرفین صرف مساعی کرد، موفق نشد، زیرا در نتیجه باید یکی از این شاهان یعنی نواب محمد زمان خان تنزل می کرد و وزیر می شد، بهر حال، ایجابات وقت و تحول اوضاع کاری کرد که خود به خود موقعیت هر دو متزلزل شده رفت؛ به این معنی که شاه شجاع در غیاب حامیان خود به کلی موقعیت خود را از دست داده و آخر به قتل رسید. و زمان شاه بعد از ظهور سردار محمد اکبر خان و پیدا شدن امکانات مراجعت امیر دوست محمد خان، خود به خود در صف دوم قرار گرفت و آهسته آهسته عقب تر رفت. اگر چه درین میان پادشاهی فتح جنگ پسر شاه شجاع هم داستانی دارد که شرح آن را جداگانه باید نوشت، بهر حال، در روز هاییکه دامنه نزع بین امین الله خان و زمان شاه بر اساس شاهی فتح جنگ در اطراف تپه مرنجان وسعت یافته بود، سردار محمد اکبر خان در جلال آباد و تیزین از انگلیس ها شکست خورده و خود را به کابل رسانید و با ورود او نزع مدعیان سلطنت یک طرفه گردید. یعنی چند گاه دیگر هم فتح جنگ شاه ماند ولی زمان شاه دیگر پیرامون این ادعا نگردید و متعاقباً انگلیس ها به فکر انتقام جویی بار دیگر وارد کابل شده گوشه یی از بازار چته را آتش زدند و آنگاه تمام افغانستان را تخلیه نمودند و امیر دوست محمد خان را گذاشتند که بار دیگر از هند آمده و بر تخت افغانستان نشیند. /